

# تقابل یا تعامل؟!

مربیان و والدین را نگران کرده است و آنان الزامی برای مقابله با آن در خود احساس می‌کنند، لذا ناخواسته و شاید ناخودآگاه خود را در مقابل آن قرار می‌دهند. این راهبرد موجب می‌شود بین نوجوان و جوان با مربیان و والدین تقابل و تضاد شکل بگیرد. بیاییم به جای «راهبرد تقابل»، «راهبرد تعامل» و در کنار نوجوان و جوان بودن را در پیش بگیریم. به‌طور ساده، بهتر است در این شرایط پیچیده واقعی، خیالی و مجازی، تلاش کنیم در کنار نوجوان و جوان باشیم نه در مقابل او. این راهبرد می‌تواند چارچوب قابل فهمی را برای کمک به نوجوان و جوان در اختیار ما بگذارد؛ هر چند که می‌تواند دشواری‌های بسیاری را نیز به دنبال داشته باشد. بهتر است مصداق‌هایی از این راهبرد را در مقایسه با راهبرد تقابل مورد توجه و بررسی قرار دهیم.

**راهبرد تقابل** ایجاب می‌کند وقتی تغییرات دوره نوجوانی را مشاهده می‌کنیم، کنترل‌ها را بیشتر، توصیه‌ها و نصایح خود را افزون و در صورت نتیجه نگرفتن، از ابزار فشار، تنبیه، تهدید و محدودسازی استفاده کنیم. این کارها ممکن است به شکل‌هایی چون کنترل زیرچشمی، بازرسی اتاق و وسایل شخصی، وارد شدن سرزده به اتاق نوجوان، تعقیب و مراقبت او و در نتیجه نصایح مکرر، و برخی تهدیدها و تنبیه‌ها از جمله گرفتن تبلت، گوشی و قطع اینترنت و امثال این‌ها صورت گیرد.

راهبرد تقابل می‌تواند به شکلی کاملاً متفاوت و با روش‌هایی به ظاهر نرم‌تر و خیرخواهانه‌تر نیز انجام گیرد. برخی از والدین و برخی از مدرسه‌ها، برای پیش راندن نوجوان در جهت مورد توجه خود، با موضعی دوستانه ولی در عین حال تحکم‌آمیز، او را در جهت تبعیت از منویات خود مجبور می‌کنند. این شیوه را غالباً والدینی به‌کار می‌گیرند که سطح تحصیلی و آگاهی بالاتری دارند و در نتیجه مدرسه‌های سطح بالاتری را نیز برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند. در این مدل، مدرسه و والدین، با مداخله در امیال و خواسته‌های کودک و

نوجوان، او را به انتخاب‌هایی وا می‌دارند که با تمایلات و حتی استعدادهای او در تعارض‌اند. از آنجا که شیوه این افراد، روشی مبتنی بر گفت‌وگو، خیرخواهی و همراهی با نوجوان

شعار امسال سازمان بهداشت جهانی کمک به نوجوانان و جوانان برای رشد سالم در جهان در حال تغییر است. هر چند که این شعار ویژگی خاصی ندارد تا آن را مختص امسال کند، لکن خود بهانه‌ای است برای بازنگری درباره کاری که مربیان و والدین می‌توانند برای نوجوانان و جوانان انجام دهند. با این حال که بیش از یک قرن است انسان‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که تغییرات به سرعت بسیار زیاد در جوامع، فرهنگ‌ها و فناوری‌ها در حال وقوع هستند، لکن قرن بیست‌ویکم را از نظر فراگیری فناوری‌های دیجیتال و حاکمیت فضای اینترنتی، باید از قرن بیستم متمایز کرد. به شکل واضحی، گسترش آنچه فضای مجازی نامیده می‌شود، بسیاری از انسان‌ها را از فضای واقعی بیرون برده و در فضایی موازی قرار داده است. یعنی فضای مجازی به موازات فضای واقعی، محیطی حاکم بر ذهن و روان انسان‌ها را در بر گرفته است. بسیاری از انسان‌ها با انس گرفتن با فضای مجازی، زیستن در آن فضا، اندیشیدن با چارچوب‌های آن و حتی نفس کشیدن در آن را راحت‌تر و دلنشین‌تر از فضای واقعی یافته‌اند؛ فضایی که در آن آرام می‌گیرند، نگران می‌شوند، مضطرب می‌شوند، توهم زده و بیمار می‌شوند و این در حالی است که درمان نمی‌شوند. تعدادی از بیماری‌های روانی امروزی در فضای مجازی شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند و انسان را در عالم واقع مبتلا می‌کنند. این دسته از بیماری‌ها را باید بیماری‌های روانی زاده شبکه\* بنامیم.

به هر حال، نوجوان و جوان امروز تا قبل از گسترش فضاهای مجازی، در دو عالم واقع و خیال زندگی می‌کرد، ولی امروزه در سه فضای واقع، خیال و مجاز زندگی می‌کند. در گذشته، به فضای خیال، مجاز گفته می‌شد، ولی اکنون فضای مجازی تعریفی جدید پیدا کرده، به‌گونه‌ای که وجودی مستقل یافته است. نوجوان و جوان امروز را چگونه می‌توان کمک کرد تا از پیچیدگی‌های این سه فضا عبور کند و زندگی را به سلامت بگذراند؟

پاسخ به این سؤال شاید به سادگی امکان‌پذیر نباشد، ولی بهتر است تا حد ممکن آن را ساده کنیم تا بتوانیم تکلیفی قابل درک از آن استخراج کنیم. با توجه به اینکه تغییرات نوجوانی و جوانی بیشتر

است، غالباً با مخالفت زیاد او همراه نیست و او ناگزیر از پذیرش مواضع والدین و به تبع آنان مدرسه و حتی مشاوران خواهد شد. در واقع در این نوع تقابل، مقابله با روشی بسیار نرم و گاه شوق انگیز انجام می‌گیرد، تا جایی که در مواردی، کودک و نوجوان احساس می‌کند شوق انجام آن کار را دارند، در حالی که این شوق حاصل هنرنمایی پدر یا مادر است که برخلاف میل فرزندشان، به گونه‌ای رفتار کرده‌اند که در او شوق انجام کاری برخلاف خواسته خود را ایجاد کرده‌اند؛ این نوع فشار با لبخند و نرمی همراه است. این تقابل را باید «تقابل از پشت سر» نامید و تقابل قبلی را باید «تقابل از روبه‌رو» به حساب آورد. با این راهبرد، برخی از والدین فرزندانشان را به جهش وا می‌دارند، مدرسه‌های سطح بالا و گاه سخت‌گیرانه‌ای را برای آنان انتخاب می‌کنند و در هنگام تعیین رشته تحصیلی دبیرستان، خواسته خود را به آنان تحمیل و حتی در انتخاب رشته دانشگاه و خود دانشگاه نیز خواسته‌شان را به او دیکته می‌کنند. گروه بزرگی از دانشجویانی که در رشته‌های سطح بالا و در دانشگاه‌های مطرح، سرخورده شده یا تغییر رشته داده یا حتی ترک تحصیل می‌کنند، با چنین راهبردی هدایت شده‌اند.

**به جای این شیوه‌ها و به منظور جلوگیری از هدر رفت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و برای هدایت صحیح نوجوانان و جوانان، بیاییم در کنار آنان قرار بگیریم.** براساس این راهبرد، در درجه اول بیاییم دنیای نوجوان و جوان را بشناسیم. یعنی ما خود را با او تنظیم کنیم، نه اینکه او را با ذهنیت‌های خودمان سامان و سازمان بدهیم. از طریق صحبت کردن با او، نگرانی‌ها، کنجکاوی‌ها، علاقه‌ها، وسوسه‌ها و تمایلات او را تشخیص دهیم. برای مثال، اگر نوجوانی به فردی از جنس مخالف گرایش پیدا کرد، بدون انکار این واقعیت و تنها با نهي کردن و حتی اقداماتی فراتر از آن، با گرایش او برخورد نکنیم. خوب است با توجه کردن به این گرایش، طبیعی بودن آن را در میان بسیاری از دختران و پسران یادآور شویم و حتی اجازه دهیم او هر از گاهی از این تمایل و کشش حرف بزند. زیاد هم عجله نکنیم که موضوع را زود فیصله و پایان دهیم، بلکه با توجه به چالش‌هایی که در این راه در مسیر نوجوان و جوان وجود دارد، او را هدایت کنیم. مثلاً نتایج چت کردن‌های پنهانی و افراطی را در نظر داشته باشیم و به کمک آن‌ها، با طرح سؤال‌هایی از نوجوان، او را به سمت تصمیم‌گیری‌های

عقلانه‌تر سوق دهیم. برای نمونه، پسری را که همین امسال در کلاس دوازدهم با افسردگی شدید همراه با افکار و اقدامات خودکشی مراجعه کرده بود؛ در نظر بگیرید. او در چت‌های پنهانی، ابتدا دلبستگی شدیدی به دختری پیدا کرده بود، تا جایی که او را در جایگاه خدای خود می‌دانست. بعد از مدتی متوجه شده بود که این دختر با دوست صمیمی این پسر دوست شده و سخن‌چینی‌های بسیاری نیز در مورد او داشته است. این پسر اذعان می‌کرد بیش از پانصد هزار پست در چت بین او و آن دختر رد و بدل شده بود. در نظر گرفتن چنین وقایعی می‌تواند در یک ارتباط خوب مشاوره‌ای و والدینی با نوجوان، او را آگاه‌تر کند تا با تصمیمی که در فضایی آزادانه می‌گیرد، زندگی خود را هدایت کند.

در سایر زمینه‌ها هم می‌توان از این الگو استفاده کرد. برای مثال، برای انتخاب راه آینده، بهتر است کودک و نوجوان با شناخت بهتر خود و استعدادها و علاقه‌های خویش و نیز شناخت بازار کار و اجتماع، خودش مسیرش را انتخاب کند. این نکته، به‌خصوص برای والدینی که از سطح تحصیلی و اجتماعی بالاتری برخوردارند و آنانی که فرزندان مستعد و باهوش دارند، از ضرورت بیشتری برخوردار است. این گروه باید راهبرد تعامل و در کنار فرزند بودن را بیشتر از سایرین فهم و در عمل از آن استفاده کنند. چنین موقعیت‌هایی فرصتی فراهم می‌کند تا در تمامی شرایط رشد و بالندگی کودک، نوجوان و جوان، همراه خوبی برای او باشیم، به گونه‌ای که ضمن حفظ روابط خوب خانوادگی، از حریم دین، کشور، اخلاق و فرهنگ نیز حفاظت کنیم.

مشاوران در این میان می‌توانند نقش سازنده‌ای ایفا کنند. مشاهده وضعیت موجود دانش‌آموزان و بررسی احساسات تنهایی یا تعارض آنان با خانواده، می‌تواند داده‌های خوبی را برای راهنمایی والدین در اختیار آنان بگذارد. هر گونه فاصله گرفتن کودک و نوجوان از خانواده یا شکل‌گیری تعارض بین والدین و فرزندان، و تمایل آنان به فاصله گرفتن از یکدیگر، زنگ خطری است برای به انحراف رفتن خانواده. اگر فرزندان خانواده بیش از اینکه بخواهند در کنار والدین باشند، به دوری از آنان تمایل داشته باشند، این پدیده زنگ خطری برای تربیت فرزند به شمار می‌رود. در اینجا است که افزایش مهارت‌های والدین برای ارتباط با فرزند، ایفای نقش تعاملی سازنده و اجتناب از تقابل با او، می‌تواند خدمتی سازنده از طرف مشاوران به‌شمار آید. والدین باید معنی دوستی را در ارتباط با فرزند بشناسند و آن را با برآوردن تمایلات او یکی نگیرند. برخی از والدین وقتی می‌خواهند رابطه دوستانه‌ای با فرزندشان شکل دهند، خود را در خدمت امیال او قرار می‌دهند و در این راه او را کمک می‌کنند. این در حالی است که دوستی والدین با فرزند به معنای داشتن رابطه فکری، احساسی و اجتماعی با او است. در این رابطه، رعایت ضوابط عقلی، احساسی و اجتماعی، بیش از برآوردن امیال نارس و نامعقول فرزند اهمیت دارد. برقراری ارتباط خوب کلامی و دوستانه با فرزند می‌تواند منعکس‌کننده دوستی واقعی بین والدین و فرزندان باشد. این رابطه همانی است که ما از آن به رابطه تکاملی و در کنار فرزند بودن تعبیر می‌کنیم.

#### پی‌نوشت

\*Net- genesis mental disease

